

### متن پرسش

به نام خدا با سلام خدمت استاد عزیز و مهربان: در رابطه با حضرت رقیه و پاسخی که شما فرمودید برایم سوال پیش آمد. این که ادعا شده شهید مطهری به منابع دسترسی نداشته محل تامل است. فلسفه غرب نیست که بگوییم ایشان زبان لاتین نمی دانسته، بی شک ایشان با آن تبحر علمی تمام منابع معتبر و دست اول را بررسی کرده و چنین ادعایی نموده است، در ضمن از آن جا که کتابی را که معرفی نمودید ممکن است دسترسی پیدا نکنم اگر ممکن است شما منبعی معتبر و دست اول سراغ دارید لطفاً آن منبع را معرفی نمایید. با تشکر از استاد عزیز و التماس دعا.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بنده نظر عزیزان را به مستندات علامه سید جعفر مرتضی‌عاملی در کتاب «تحریف‌شناسی عاشورا» که نقدی بر کتاب حماسه‌ی حسینی شهید مطهری است جلب می‌کنم. نکاتی که در مقدمه‌ی کتاب و جمع‌بندی آن آمده از این قرار است. [«معرفی کتاب از تراث: متن حاضر ترجمه‌ی کتاب «کربلا فوق الشبهات» نوشته‌ی علامه جعفر مرتضی‌عاملی است که المرکز الاسلامی للدراسات (بیروت) نسخه عربی آن را منتشر کرده است. واقعه‌ی پرشور عاشورا، از حوادث مهم تاریخ است که اندیشمندان و فرهیختگان بسیاری درباره‌ی آن سخن گفته و ابعاد گوناگون آن را باز کاویده‌اند. این حادثه‌ی عظیم، ابعاد تربیتی، اخلاقی، سیاسی، عاطفی، عرفانی و ... فراوانی دارد که پرداختن به آن نیازمند آشنایی عمیق با فرهنگ اسلامی و شیعی و شناخت کامل معارف والای عاشورا است. بی‌تردید، واقعه‌ای که عواطف بشریت - اعم از مسلمانان و غیر مسلمانان - را برانگیخته و آنان را به کنش واداشته، دست خوش تفسیرها و تأویل‌های فراوان نیز شده و هرکس با توجه به سطح دریافت خود به بحث از معارف آن پرداخته که بسیاری از اسلام‌شناسان از سر احساس تکلیف و نیز به منظور اظهار ارادت خالصه به درگاه اباعبدالله الحسین علیه‌السلام کوشیده‌اند با تأویل‌های نابجا و تحریف‌های ناروا مبارزه کنند و این انقلاب سترگ را به واقع به جهانیان بشناسانند؛ این مسأله جای تحسین و نکوداشت فراوان دارد و سرمشق خوبی برای آیندگان در پاس‌داشت عاشورا و فرهنگ آن خواهد بود؛ از جمله‌ی این عالمان پرتلاش، استاد مرتضی‌مطهری رحمه‌الله است که نقش به‌سزایی در بیداری اسلامی و احیای فرهنگ ظلم‌ستیزی شیعی و نیز اشاعه‌ی معارف عاشورایی داشته است. آثار آن شهید سعید، گواه سخن ماست و بی‌تردید تلاش‌های بی‌دریغ او مورد عنایت پروردگار و امامان معصوم علیهم‌السلام خواهد بود؛ اما آنچه آن شهید عزیز بر آن پا می‌فشارد و در آثار خود بر آن مصمم

است، «نقد منصفانه» و «دفاع واقع‌بینانه» است. آن مرد بزرگ، هیچ‌گاه خود را از خطا و اشتباه مبرا نمی‌دانست و همواره همگان را به تأمل و تدبر در سخنان خود دعوت می‌کرد و از نقد آثار و سخنان خود استقبال می‌نمود؛ او تنها به عزت اسلام و سرافرازی پرچم عاشورا می‌اندیشید و سرانجام جان خود را نیز در این راه پر افتخار تقدیم کرد. آنچه این کتاب به آن می‌پردازد شناخت تحریفات واقعی حادثه‌ی عاشورا و تفکیک آن از تحریفات غیرواقعی است؛ نویسنده معتقد است که افسانه‌ها و مطالب دروغین که در تاریخ عاشورا وارد شده، اندک و شایان تأمل است؛ اما بسیاری از مطالبی که در کتاب «حماسه‌ی حسینی» با عنوان تحریفات از آن نام‌برده شده، در صف افسانه‌ها و مطالب دروغین جای نمی‌گیرد و با اندک تأمل و تفحص احتمال صادق بودن آن آشکار می‌شود. دیگر این‌که نویسنده، نسبت دادن کتاب «حماسه‌ی حسینی» به شهید مطهری رحمه‌الله را نمی‌پذیرد و آن را حاوی دیدگاه‌های قطعی و نهایی او نمی‌داند؛ از این‌رو نقدهای خود بر آن کتاب را نوعی دفاع از آن شهید والامقام می‌داند. نقد قضایای تاریخی برای رسیدن به روایتی نزدیک‌تر به واقع سنتی همیشگی در میان دانشی‌مردانی بوده که با تاریخ در ارتباط بوده‌اند. اما انتشار کتاب «حماسه حسینی» باعث شد که نقد تاریخی ماجرای کربلا از میادین علمی به پای منبرها کشیده شود، جایی که دیگر سخن گفتن و نقد کردن یک طرفه بود و مخاطب توان تحلیل و یا نقد کردن این نقد را نداشت. نتیجه نیز روشن بود؛ نقد یک طرفه نه تنها در میان مخاطب ناآشنا حرف خود را به کرسی نشاند، بلکه باب تشکیک را نیز باز کرد؛ پس از آن «منبر حسینی» در نگاه بسیاری به جایی برای جعل، تزویر و خرافات تبدیل شد و راه شک در هر چیزی که مخاطب یا نمی‌توانست و یا حتی نمی‌خواست بپذیرد باز شد. کتاب حماسه حسینی در تشکیک‌های خود عمدتاً بر کتاب مرحوم میرزای نوری «لؤلؤ و مرجان» استوار است و مثال‌ها و موارد را وامدار آن کتاب. از این روست که حماسه حسینی را می‌توان کشاندن تشکیک‌های میرزای نوری از میادین علمی به میان عامه مردم دانست. علامه سید جعفر مرتضی با نوشتن کتاب «کربلا فوق الشبهات» به دفاع از منبر حسینی برخاست. از نگاه وی داستان کربلا نیز مانند هر داستان تاریخی دیگری محتاج نقد و بررسی است، اما در «حماسه حسینی» روش نقد تاریخی صحیح نیست و نکات بسیاری فراموش شده است، نکاتی که در بررسی هر مسئله تاریخی‌ای مورد نیاز است: ۱- دیدن همه کتاب‌های تاریخی نه صرفاً آنچه دم دست و یا مشهور است. ۲- پی‌گرفتن ماجرا در کتب غیر تاریخی، مانند کتب حدیثی، زندگی‌نامه‌ها و انساب، جغرافیا و مانند این‌ها ۳- توجه به منابعی که در دسترس ما نیست، بسیاری از نقدها بر این اساس است که نقلی که در فلان کتاب قرن دهمی شده است را در منابعی که در دسترس ماست نیافتیم، درحالی‌که گاهی نویسنده به منابعی اعتماد کرده که اکنون در اختیار ما نیست و در طول تاریخ از بین رفته، خصوصاً در مواردی که می‌بینیم مولف منبعی را نام برده و صرفاً چون در دسترس ناقد نبوده وی را به جعل و تزویر متهم کرده است. ۴- وثوق به یک مولف به معنای صحیح بودن تمام محتوای کتاب وی نیست؛ چه بسیار شده که در کتابی که نویسنده‌اش مورد وثوق است روایاتی نقل شده که با هم ناسازگار هستند، وظیفه خواننده عالم یافتن

روایت صحیح است نه رد کردن کتاب و اتهام بستن بر نویسنده، وگرنه جز قرآن کریم کتابی برای ما باقی نخواهد ماند ۵- محتوای صحیح همیشه در منابع معتبر نیست: گاهی در منابعی که به گردآورندگانشان نیز اعتمادی نیست می‌توان روایاتی یافت که با شواهدی که از بیرون می‌یابیم صحتشان مورد تایید قرار می‌گیرد و قابل اعتمادند، پس نمی‌توان کتابی را تنها به این دلیل که نویسنده‌اش مورد اعتماد ما نیست به کلی کنار گذاشت. ۶- ارزش‌گذاری منابع بر اساس سازگاری آن‌ها با مدعا نباشد، چرا گاهی برخی، منابعی را که با ادعای ایشان سازگار نیست را تماما زیر سوال می‌برند و تنها به توثیق و مدح از منابعی می‌پردازند که با ادعای ایشان سازگار باشد! ۷- تاریخی که ثبت شده بسیار کمتر است از آنچه رخ داده، لذا هرچند می‌بایست برای اثبات وقوع رخدادی شاهی برای آن یافت، اما اگر روایتی مشهور و سینه به سینه از تاریخ یافتیم که در میان کتب تاریخی شاهی بر آن یافت نمی‌شود، نمی‌توان ادعای جعل و خرافاتی بودن را بر آن بست. نویسنده در این کتاب ۲۵ ادعای شهید مطهری را یک به یک مطرح کرده و بصورتی اجمالی نقد و بررسی می‌کند، از نگاه او ۶ مورد مانند جمعیت یک میلیون و ششصد هزار نفری سپاه عمر سعد و نیز کشته شدن ۳۰۰ هزار نفر به دست سیدالشهدا (ع) قطعاً جعلی و باطل است، اما انکار ۱۹ مورد دیگر مانند قصه حضور مادر حضرت علی اکبر (ع)، عطش سه روزه، ماجرای اربعین و بسیاری دیگر را نا بجا می‌داند. وی سپس به تفصیل به بررسی داستان حضور لیلی مادر حضرت علی اکبر ع در کربلا می‌پردازد، چرا که این داستان شهرت بسیاری داشته و دارد و پس از حماسه حسینی به نمادی برای جعل تبدیل شد. وی در بررسی این داستان به منابع بسیاری ارجاع می‌دهد و حضور وی را در کربلا اثبات می‌کند. کتاب کربلا فوق الشبهات، نمونه بارز یک نقد عالمانه است؛ احترام بسیار زیاد ناقد به نویسنده متن مورد نقد و نیز ارجاع به منابع فراوان، ارزشی دوچندان به این کتاب داده است. البته ارادت بسیار زیاد وی به شهید مطهری باعث شده که در بخشی مفصل به انکار نسبت کتاب به وی بپردازد و چاپ کتاب را که بعد از شهادت وی انجام شده برخلاف خواسته‌اش بداند. از این رو در تمام کتاب نقل قول‌ها را «منسوب» به شهید مطهری آورده و در فرض صحت نسبت نیز این را اشتباهی از او می‌داند که از هر کسی ممکن است سربزند چرا که «العصمة لأهلها». این کتاب به خوبی نشان می‌دهد که بررسی و نقد تاریخی تا چه حد دقیق و سخت است و تندروی در بستن نسبت جعل و تزویر و خرافات‌بافی به دیگران تا چه مقدار نادرست است. اگر چه به برخی ادعاهای نویسنده در این کتاب نیز می‌توان خرده گرفت، اما انتقاد اصلی وی به شیوه نقد وقایع تاریخی خصوصا داستان کربلا بسیار بجاست، نقدهایی که مدتهاست - خصوصا در فضاهای غیر علمی- باب شده و تنها نتیجه‌اش باز شدن باب تشکیک و اتهام جعل در قضایای کربلا.]] عنایت داشته باشید که علامه سید جعفر مرتضی عاملی از ارادتمندان شهید مطهری هستند که مدتی نیز در ایران و در قم با افکار آن شهید آشنا شدند و احترام خاصی نیز مثل همه‌ی اهل علم و تحقیق برای شهید مطهری قائل‌اند. موفق باشید